

## سه داستان

با محوریت تاریخ محلی شهرستان رضوانشهر

گردآورنده:

مجید لطفی

|                     |                                                                          |
|---------------------|--------------------------------------------------------------------------|
| سرشناسه             | : لطفی، مجید، ۱۳۳۰-                                                      |
| عنوان و نام پدیدآور | : سه داستان با محوریت تاریخ محلی شهرستان رضوانشهر / گردآورنده مجید لطفی. |
| مشخصات نشر          | : رشت: گیلکان، ۱۳۹۵.                                                     |
| مشخصات ظاهری        | : ۴۸ ص.: صور: ۱۴/۵×۲۱/۵ س.م.                                             |
| شابک                | : ۹۷۸-۹۶۴-۸۲۸۳-۴۲-۶                                                      |
| وضعیت فهرست نویسی   | : فبیای                                                                  |
| موضوع               | : داستان‌های کوتاه فارسی -- قرن ۱۴                                       |
| رده‌بندی کنگره      | : ۱۳۹۴ س ۹ ط ۷۳ / PIR۸۳۶۰                                                |
| رده‌بندی دی‌سی      | : ۸۷۳/۶۲                                                                 |
| شماره کتابشناختی    | : ۴۱۵۰۲۷۹                                                                |



رشت: خیابان انقلاب - اول کوچه گنج‌های - پست صفاری - پلاک ۱۱۶  
صندوق پستی ۴۱۷۴-۴۱۶۳۵ تلفکس ۰۱۳-۳۳۳۳۲۲۲

Jakob@lakan@gmail.com

- ❖ سه داستان (با محوریت تاریخ محلی شهرستان رضوانشهر)
- ❖ تألیف: مجید لطفی
- ❖ صفحه‌آرایی: هنر و اندیشه
- ❖ چاپ اول: ۱۳۹۵
- ❖ چاپ و صحافی: کتیه گیل
- ❖ شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۸۲۸۳-۴۲-۶

ISBN: 978-964-8283-42-6

## فهرست

|    |                          |
|----|--------------------------|
| ۱۱ | اعدام به نفر دو چوبه دار |
| ۲۳ | اسبی به نام              |
| ۳۱ | امیر یوسف و «هی» بدا کو  |

## کوتاه سخن

می‌گویند: اوایل دوره پهلوی، دزدی، غارت و چپاول اموال مردم، دام‌ها و رَمه‌ها توسط جری از دزدان و راهزنان و یا توسط اجیر شدگان برخی از مالکان بی‌رحم که وابسته به حکومت بوده‌اند در روستاها و مناطق کوهستانی بسیار رایج بود و دسترنج مردم به ربه راحتی به تاراج می‌رفت و اگر هم از سوی کسی یا کسانی اعتراض می‌شد، مردم شکنجه و آزار قرار می‌گرفتند. به این خاطر اغلب مردم زحمت کش به اجبار و به زور به گونه‌ای به زورگویان باج می‌دادند تا مورد اذیت و آزار آنها قرار نگیرند. تا به آنکه به زندگی فقیرانه و نکبت بار خود ادامه دهند. اگر کسی در مقابل این ستمگران و راهزنان مقاومت می‌کرد باید تاوان سختی را متحمل می‌شد.

بسیار شنیده شده است، مردم مظلومی که در مقابل این غارتگران بی‌رحم به نوعی ایستادگی کرده بودند نه تنها مال و اموال آنها بلکه زن و دخترشان نیز در این رابطه مصون نماندند که متأسفانه داستان‌های تلخی در این باره شنیده شده است. داستان اعدام سه نفر یکی از این ماجراهای تلخ دزدان مال و اموال مردم و ناموس آنان می‌باشد که از پیران شنیده‌ایم و آن را به صورت کوتاه برای خوانندگان بیان می‌داریم. این داستان و نیز دو داستان دیگر که مربوط به

حکومت امیران محلی می‌باشد در مجله فرهنگی، هنری و پژوهشی گیله وا به چاپ رسید که مورد استقبال برخی از خوانندگان قرار گرفت که این امر سبب شد این سه داستان را به طور مستقل به صورت کتاب کوچکی برای دیگر دوستان و اقارب تلخ زندگی گذشتگان به چاپ رسانیم. امید وارم مورد قبول واقع گردد.

مجید لطفی

www.ketab.ir